

بررسی ساختار و سبک نوشتاری زنانه در رمان « آن مادران این دختران » اثر بلقیس سلیمانی

دکتر علی اکبر محمدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

aa.mohammadi@birjand.ac.ir

سمیرا استواری (نویسنده مسئول)

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

Samiraostovari95@yahoo.com

چکیده

نوشتار زنانه و تفاوت‌های زبانی زنان و مردان از نیمه دوم قرن بیستم، به‌عنوان یکی از شاخه‌های نقد فمینیستی در کشورهای غربی مطرح شد. طرفداران این نظریه در آغاز با تأثیر از اندیشه‌های این جنبش، نوشتار زنان را در قیاس با کلام مردان، از منظر تضاد مطرح کردند و در پی کشف زبانی زنانه بودند که با روحيات و خلیات لطیف زنانه هماهنگ باشد. بلقیس سلیمانی متولد ۱۳۴۲ به‌عنوان زن، در بیشتر آثارش متعهد به ساختار روحی و روانی و سبک زنانه‌اش بوده است. در این مقاله سعی شده است با توجه به اهمیت نقد ساختارگرایانه و مسأله مهم زبان و جنسیت در پژوهش‌های معاصر، به رمان « آن مادران این دختران » پرداخته شود تا به این پرسش پاسخ داده شود که نویسنده چگونه و چقدر از مباحث مربوط به سبک نوشتاری زنانه پیروی کرده است؟ در راستای دستیابی به پاسخ این پرسش، این مقاله با روش توصیفی کوشیده است مهمترین مؤلفه‌های این سبک نوشتاری را بررسی و سپس با ارائه نمونه‌هایی از متن رمان به تحلیل داده‌ها بپردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سلیمانی در سطح واژگان با کاربرد تکرار، با تنوع رنگ واژه‌ها و اشاره به واژگان مرتبط با زنان توانسته عواطف زنانه را برجسته‌تر سازد و با به‌کارگیری جملات مؤدبانه و کنایه‌هایی مشحون از کلمات عامیانه و با استفاده از جملات دعایی، صمیمیت و نگرش زنانه در این رمان، سبک زنانه‌نویسی را بیشتر نمایان سازد. او با به‌کارگیری کلمات مبهم، پرسشی و تعجبی گفتگوهای درونی این سبک را تقویت نموده است.

کلیدواژه‌ها: قد فمینیستی، زبان و نوشتار زنانه، آن مادران این دختران، بلقیس سلیمانی.

۱. مقدمه

برخی از زبان‌شناسان، سبک^۱ را شالوده‌ای از گزینش زبان می‌دانند که در سطح واژگان یا جملات اتفاق می‌افتد. «سبک، روش مشخص بیان مطلب است، یعنی گوینده به چه نحو خاص و مشخصی مطالب را ایراد کرده است و جهت درک این نحوه خاص بیان، باید در انتخاب لغات، شکل جملات، صنایع ادبی و... گوینده دقت شود.» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۱۳) یکی از سبک‌ها، ساختارگرایی است که «می‌تواند مدعی جایگاهی ممتاز در مطالعات ادبی شود چرا که در پی آن است که الگویی از خود نظام ادبیات به‌عنوان مرجع بیرونی آثار منفردی که بررسی می‌کند به دست دهد.» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۲۶) ساختارگرایی برای تحلیل هر پدیده فرهنگی و اجتماعی پیشنهاد می‌کند که نخست تفاوت‌های درونی و صوری میان انواع آن که منجر به تصویر معنای متناسب با شکل و ساختار است بررسی شود. (احمدی، ۱۳۸۲: ۱۸)

فرمالیست‌های روسی نخستین گروهی بودند که در زمینه داستان‌پردازی و روایت، مطالعات اساسی انجام دادند. آن‌ها در قرن بیستم میلادی، پژوهش‌های خود را آغاز کردند و هدف اصلی آن‌ها این بود که بتوانند به فرمولی دست یابند که با آن شکل و ساختار داستان‌ها را تحلیل و ارزیابی کنند چرا که از نگاه آنها ادبیات، پدیده‌ای زبانی بود و در

^۱ Style

بررسی اثر ادبی تکیه باید بر فرم باشد. پس از آنها، ساختگرایانی مثل رومان یاکوبسن، رولان بارت، لوی اشتروس و تروتان تودروف بررسی مسائل زبانی و ساختاری اثر ادبی را پی گرفتند و میان مباحث سنتی ادبیات و یافته‌های جدید زبان‌شناسی ائتلافی به وجود آوردند. (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۷، ۱۷۸)

۱-۱ زبان و جنسیت

یکی از مباحثی که از دیدگاه ساخت و فرم روایت مورد مطالعه ناقدان ادبی قرار می‌گیرد، زبان، جنس و جنسیت است. «جنس اشاره دارد به مشخصه‌های زیست‌شناسیک و فیزیکی بدن مرد و زن، در حالی که جنسیت بر مشخصه‌های هریک از دو جنس بر اساس موقعیت فرهنگی دلالت دارد. اصطلاح گویش جنسیتی با این فرض وضع شده که در برخی جوامع، زبان زن و مرد از بنیاد با هم تفاوت دارند. با آن‌که در برخی زبان‌ها کاربردهای خاص جنسیتی می‌توان دید اما آن کاربردها چه در سطح واژگان و نحوی و چه در تعابیر یا شگردهای گفتگویی چندان اندک و حتی وابسته به موقعیت‌های متنوع است که نمی‌توان بر پایه‌ی آن تمایز زبانی جنسیت‌ها را تبیین کرد. با وجود تلاش‌ها و بحث‌های بسیار درباره جنسیت در زبان، هنوز ماهیت زبان جنسی به روشنی متمایز و مشخص نیست، زیرا وجود عناصر واژگانی و دستوری مذکر و مؤنث در یک زبان، نتیجه قرارداد زبانی و مولود فرهنگ و ذهنیت یک قوم و جامعه‌ی زبانی است. (ر.ک. فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۷-۳۹۶)

۱-۲ نقد فمینیستی

یکی از نقدهای ادبی که در سده‌ی نوزدهم میلادی به بررسی، بیان و مطالعه حقوقی زنان در غرب به‌طور جدی پرداخته شده است نقد فمینیسم است که مثل هر مکتب نقدی دیگر پر از ابهام است و نمی‌توان به درستی و روشنی مرزهای آن را تحلیل کرد، ولی با این توضیح، نقد فمینیسم مسائلی مهمی را بررسی می‌کند که یکی از آنها سبک نوشتار زنانه است. هر چند در لغت و زبان هر دو جنس مرد و زن مشترک هستند و محل جدایی و تمایز نوشتار زنانه از مردانه از همین جا شکل می‌گیرد. نقد فمینیستی «اصطلاحی است ساخته‌ی الن شووالتر^۱ منتقد ادبی آمریکایی که با شرح نوعی نقد فمینیستی راه‌های بازیابی یا حذف زنان در نوشته‌های مردان را مورد بررسی قرار می‌دهد. نقد فمینیستی این بحث را پی می‌گیرد که چگونه مخاطب زن، بازتمایی شدن به شیوه‌های تقلیل‌گرایانه یا تحقیرآمیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. وی به این ترتیب نقد زنان را به‌عنوان راه‌حل این مشکل پیشنهاد می‌کند (هام، ۱۳۸۲: ۱۶۰). فمینیست‌های پس‌اساختارگرا، به انتقاد از نظم زبانی ساختارگرایی مردانه پرداختند و تجارب ویژه زنان را که بازتاب‌دهنده بخش بزرگی از دنیای کمترشناخته جامعه انسانی است مورد تحلیل دقیق‌تری قرار دادند.

۱-۳ ساختار و سبک نوشتار زنانه

فمینیسم آدر اصل به‌معنای زن‌باوری و زن‌محوری است. و چشم‌اندازی است که در پی رفع کردن اصل فرودستی، ستم، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی است که زنان از آنها رنج می‌برند. (بیسلی، ۱۳۸۵: ۲۰) فمینیسم مدت‌ها پس از اعتراض زنان به این موقعیت فرودست خود آغاز، و خواهان از بین بردن تبعیض میان مردان و زنان شد. (فریدمن، ۱۳۸۲: ۶) فمینیسم جنبش واحد و یک‌پارچه‌ای نیست بلکه نظریه‌ها و انواع گوناگون و گاه متضادی را در بر می‌گیرد. باید گفت همه فمینیست‌ها بر این اصل متفق هستند که جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مردسالار است؛ زیرا تاکنون مردان همواره به‌سبب حمایت از نقش‌های سنتی خویش در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلط بوده‌اند. (تایسن، ۱۳۸۷: ۱۵۱) جریان دوم فمینیسم، در اوایل قرن بیستم و در سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی با کتاب *راز زنانگی* از بتی فریدان آغاز شد و عواملی مانند تغییرات در وضعیت زنان، تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سه دسته از عوامل مؤثر در ظهور موج دوم بودند. (رودگر، ۱۳۸۸: ۵۸) نوشتار زنانه از نیمه دوم قرن بیستم، به‌عنوان یکی از شاخه‌های نقد فمینیستی شناخته

¹ Showalter

² Feminism

شده است و سعی شده است آن را با نوشتار مردانه از نظر تضاد تحلیل کنند. اولین بار رابین لیکاف^۱ با انتشار زبان و جایگاه زنان و چندین مقاله دیگر، به صورت جدی و علمی اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد. او معتقد بود تفاوت قدرت میان زنان و مردان باعث به وجود آمدن مردانی حاکم و سلطه‌گر از یکسو، و زنانی تابع و مطیع از سوی دیگر شود. (دلبری و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۲) در عرصه‌ی نویسندگی، زنان حضور خود را با نوشتن رمان آغاز کردند. سنت رمان‌نویسی زنانه، حدود ۱۵۰ سال پیش با آراء جین آوستن^۲ آغاز شده است. زنان "مادران رمان" نامیده شده‌اند. بین افزایش تعداد رمان‌ها و کسب وجهه‌ی ادبی حرفه‌ای در زنان، رابطه‌ی متقابلی وجود دارد. از همان آغاز زنان خواه در مقام خواننده و خواه نویسنده، با رمان احساسی پیوند خورده‌اند (تلخابی و عقداپی، ۱۳۹۳: ۹۱). زنان در فرآیند اجتماعی شدن، محتاطانه و کاملاً مؤدبانه رفتار کردن را می‌آموزند که مأخوذ به حیا باشند. قطعیت در کلام را شایسته زنان نمی‌دانند. جامعه هم به دنبال این تقسیم قدرت از زنان، رفتاری مبادی آداب را انتظار دارد که باعث می‌شود آن‌ها کمتر از نمونه‌های رکیک زبانی استفاده کنند. (ارباب، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۰۸) به عقیده لیکاف تفاوت‌های زبانی میان زنان و مردان یکی از نتایج نابرابری اجتماعی است و ویژگی‌های زبانی آنان بازتاب تفاوت‌هایی است که از نظر نقش و موقعیت اجتماعی میان اعضای این گروه وجود دارد. (فارسیان، ۱۳۷۸: ۱۲)

سبک زنانه توضیح می‌دهد که "نوشته‌های زنان، گفتمان خاص، نزدیک‌تر با متن، عواطف و ناشناخته‌ها دارند؛ یعنی همه آن چیزهایی که قرارداد اجتماعی را سرکوب می‌کند. (هام، ۱۳۸۲: ۱۳۶) باید ذکر کرد که نوشتار زنانه نظریه‌ای بر اعتقاد است که «زنان در قیاس با مردان، از روحيات و خلقیاتی متفاوت و مختصی برخوردار هستند و از این رو می‌توان تفاوت نوشتار این دو جنس را بررسی کرد.» (سیمونز و مورفی^۳، ۱۹۸۶: ۹۲) فتوحی سبک زنانه را اینگونه بیان می‌کند «کار سبک‌شناسی زنانه عبارت است از بررسی سبک از چشم‌انداز باورها و عقاید مربوط به موقعیت اجتماعی و حقوق زن.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۵) و به اعتقاد طاهری «سبک نوشتار زنانه، سبکی که بر اساس ایدئولوژی، موقعیت، زاویه دید و منظر^۴ زنانه ایجاد شده است.» (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۰۴) بنابراین، زنانه‌نویسی یعنی جنسیتی کردن ادبیات، بر اساس تجربه و نگاه زنانه؛ در شکل، صدا و محتوایی زنانه و متفاوت با صدای مردان بیافریند و نوشتن از مسائل، مشکلات و حالات و روحيات خاص زنان به منظور شناساندن شعور و حساسیت‌های جنس زن رواج یافته است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۲) کتاب سبک‌شناسی فمینیستی دارای سه فصل است که میلز^۵ در هر فصل، به تحلیل یکی از عناصر سبک‌شناسی زنانه از جمله: لایه واژگانی، لایه نحوی و لایه گفتمانی می‌پردازد.

در این پژوهش برآنیم یکی از آثار بلقیس سلیمانی به نام «آن مادران این دختران» را از منظر سبک زنانه بر اساس دو لایه واژگانی و نحوی مورد بررسی قرار دهیم. در ادامه به معرفی مختصری از بلقیس سلیمانی پرداخته می‌شود. بلقیس سلیمانی نویسنده معاصر زاده سال ۱۳۴۲ در کرمان و دانش‌آموخته رشته فلسفه در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد. او قلم زدن در حوزه ادبیات داستانی را آغاز و نویسندگی را حرفه اصلی خود می‌داند. او اولین رمان خود را در سال ۱۳۸۴ به نام *بازی آخر بانو* نوشت. از جمله آثار دیگر سلیمانی می‌توان به مجموعه داستان‌های *عروس و داماد* (۱۳۸۶)، *خاله بازی* (۱۳۸۷)، *به هادس خوش آمدید* (۱۳۸۸)، مجموعه داستانی *پسری که مرا دوست داشت* (۱۳۸۹)، *من از گورانی‌ها می‌ترسم* (۱۳۹۳) و *شب طاهره* (۱۳۹۴) اشاره کرد. آخرین رمان وی *آن مادران این دختران* است که در سال ۱۳۷۹ درباره‌ی شکاف بین نسلی و روابط میان یک مادر و دختر است آن را به نگارش درآورد. رمان‌های وی عمدتاً با حال و هوای تاریخی، سیاسی و اجتماعی نوشته شده‌اند. در آثار وی می‌توان گذر زمان را در یک بستر تاریخی با نگاه اجتماعی دنبال کرد. او با واقع‌بینی متمایل به ناتورالیسم و به کارگیری منطق داستانی مناسب، ظاهراً از روساختار جامعه‌اش سخن می‌گوید؛ اما هدفش جلب توجه مخاطبان به دلایل اجتماعی شکل‌دهنده‌ی این

¹ Robin Lakoff

² Avesten, Gin

³ perspective

⁴ Mills

ساختارها است و از این منظر بحران هویت و دگرگونی ارزش‌ها در لایه‌های بیرونی و درونی جامعه‌ی داستان‌های او به شیوه‌های گوناگون قابل ادراک است. وی با نگاهی انتقادی به کلیشه‌های حاکم که به نظروزی جسورانه بیشتر شباهت دارد و خوب مرگ برخی از ارزش‌های نادرست و در عین حال مسلط بر جامعه را به خوانندگان آثار خود گوشزد می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد ضمن بازاندیشی درباره‌ی شرایط موجود، برای بنیان‌گذاران ارزش‌های نوین، سازنده و تعالی‌بخش اهتمام ورزند. (خادمی کولایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴)

۴-۱ خلاصه رمان آن مادران این دختران

ثریا زنی بیوه، اهل گوران کرمان می‌باشد هنگامی که همسرش اکبر فوت می‌کند سه ماهه دختر خود، آنا را باردار است. او در تهران با شغل معلمی و به تنهایی و سختی دخترش را بزرگ می‌کند. ثریا دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه است که قرار است از پایان‌نامه خود دفاع کند. آنا در سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کند اما این ازدواج بعد از چند ماه به جدایی می‌کشد و با مادرش زندگی می‌کند. او فوق لیسانس است اما هنوز کاری متناسب با تحصیلاتش به دست نیاورده و چند شغل عوض کرده و به دستفروشی زیور آلات و وسایل آرایشی در مترو مشغول است. ثریا مدام از گذشته‌های خود در گوران، سختی‌های زندگی‌اش و ازدواج خود برای آنا تعریف و بازگو می‌کند. و با قناعت‌های بی‌جا خود، آنا را عصبانی می‌کند طوری که دیگر هر دو از درک کردن هم عاجز می‌شوند. کاووس هم‌ولایتی گورانی ثریا که در جوانی عاشق و خواستگار وی بوده و از ثریا جواب منفی شنیده بود، زنش بیمار است و در بیمارستان تهران فوت می‌کند. ثریا با فوت زن کاووس دوباره به خیال بافی‌هایی جهت ازدواج با کاووس می‌افتد که در آخر داستان متوجه می‌شودیم کاووس با آنا قول و قرار ازدواج گذاشته‌اند.

۴-۱ اهمیت و ضرورت و پرسش پژوهش

از آنجایی که هم نویسنده رمان آن مادران این دختران، زن است و زنان در داستان‌های خود از قهرمان زن استفاده می‌کنند، در این رمان هم شخصیت اصلی ثریا است. در این پژوهش، بر آن شدیم تا مؤلفه‌های نوشتاری زنانه را در آن بررسی نماییم و به این سوال پاسخ دهیم که کدام ویژگی سبک نوشتار زنانه در رمان آن مادران این دختران برجسته‌تر است؟ فرض بر آن داریم که ویژگی‌های زبانی از جمله: تکرار واژگان، استفاده از رنگ‌واژه‌ها، دشوارواژه، و... در این رمان از برجستگی بیشتری برخوردار است.

www.anjomanfarsi.ir

۴-۱ پیشینه پژوهش

پژوهشی بر روی سبک نوشتاری زنانه رمان آن مادران این دختران اثر بلقیس سلیمانی انجام نشده است اما پژوهش‌هایی مشابه زیادی در سبک نوشتاری زنانه در قالب پایان‌نامه و مقاله انجام شده است که هر چند ارتباطی به این کتاب ندارد ولی برای آشنایی بهتر و تقدیر از آنها، به چند مورد اشاره می‌شود:

پایان‌نامه

پایان‌نامه تحلیل سبک شناسی زنانه در گفت‌وگوهای شخصیت‌های سیمین دانشور براساس سووشون و ساربان سرگردان از سهیلا امینی در سال (۱۳۹۶) در دانشگاه سلمان فارسی کازرون نگاشته شده است. در این پژوهش سبک زنانه (یا جنبش زنانه نویسی) که حرکتی مستقل است برای تمایز زبان زنان از مردان بررسی شده است. سبک زنانه که مربوط به زبان شناسی جنسیت است که ابعاد مختلفی از جمله: آواها، واژه‌ها، نظام صرفی و نحوی، گفتمان و... را شامل می‌شود. و کاربردهای هرکدام در زبان زنانه و مردانه متفاوت می‌باشد.

نشانه‌های سبک‌شناسی زنانه در ادبیات داستانی معاصر از خوشقدم یونسی سال (۱۳۹۵) دانشگاه شهید مدنی آذربایجان اشاره کرده می‌شود. در این پایان‌نامه براساس دیدگاه‌های سارا میلز و راجر فالر، نشانه‌های سبک زنانه در نویسندگی هشت رمان شامل چهار رمان زن نوشت و چهار رمان مرد نوشت در لایه‌های زبانی، گفتمانی و ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله‌ها

محمودی بختیاری، بهروز و دهقانی، مریم (۱۳۹۲) "رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی" پژوهشگر، سه رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، کولی کنار آتش، بازی آخرین بانو را از نویسندگان زن با سه رمان کافه پیانو، سمفونی مردگان و ثریا در اغما از نویسندگان مرد را با مشخصه‌های زبانی در حوزه واژگان مورد بررسی و مقایسه قرار داده است.

قاسم زاده، سید علی و علی اکبری، فاطمه (۱۳۹۵) «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من» پژوهشگر در این مقاله با توجه به مؤلفه‌های نقد فمینیستی به واکاوی نوشتار زنانه پرداخته است. «روند تکوینی سبک زنانه آثار زویا پیرزاد تحلیلی برپایه سبک شناسی فمینیستی» از ناصر نیکویخت و همکاران در سال (۱۳۹۱) است که با بررسی کردن مجموعه داستان پیرزاد، در سطوح مختلف متن از جمله: واژگان، جملات و سبک گفتمان، دیدگاه زنانه با رهیافت سبک شناسی فمینیستی تحلیل نموده است.

۷-۱ هدف و روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی با توجه به زیبایی‌شناسی نوشتار زنانه تلاش می‌کند مؤلفه‌های گرایش فمینیستی را تنها در نوشتار و لایه نحوی و واژگانی بررسی کند چرا که مباحث گفتمانی و محتوایی نیازمند پژوهشی جداگانه است.

۲- بحث و بررسی

تفاوت زبانی و نوشتاری میان زنان با مردان را می‌توان در این حوزه‌ها مورد تحلیل قرار داد:

۱-۲ گزینش واژگان

گزینش واژگان یکی از عناصر مهمی است که می‌تواند ویژگی‌های سبکی نویسنده را نمایان سازد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۸) در آثار ادبی زنانه، علاقه به کاربرد واژگان متعلق به زنان، اسامی زنان در داستان، تمایل به کارکرد بالای رنگ‌واژه‌ها، تکرارواژه و... در این سطح از سبک قابل بررسی است.

۱-۱-۲ واژه‌های متعلق به زنان: دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

زنان در نوشتار خود از واژه‌هایی استفاده می‌کنند که مردان علاقه‌ای از به کار بردن آن‌ها ندارند. «هر چند در بسیاری از جوامع، زنان و مردان به‌طور مشترک در بیشتر فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند اما به نظر می‌رسد که در برخی از زمینه‌ها زنان و در برخی دیگر نقش فعال‌تری دارند، این امر سبب پیدایش تفاوت‌های زبانی معینی میان این دو گروه می‌گردد، به‌عنوان مثال، زنان در زمینه‌هایی مانند خیاطی، بافندگی، آشپزی و آرایش تجربه بیشتری دارند و به‌همین دلیل بسیاری از اصطلاحات مربوط به این حوزه‌ها، زنانه به نظر می‌رسد. اما در زمینه‌هایی مانند امور نظامی، مکانیکی، فلزکاری و به‌طور کلی کارهای سنگین، مردان فعال‌ترند و از این رو اصطلاحات مربوط به این حوزه‌ها، بیشتر مردانه هستند.» (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۱۶۰) بلقیس سلیمانی در رمان آن مادران این دختران، به خوبی به واژه‌هایی مرتبط با زنان از جمله خانه که مکانی است زنان دائماً در آنجا حضور دارند و اسباب‌خانه مثل دیگ و دیگچه، آمیوه‌گیری، ماکروویو، بشقاب، یخچال و... همچنین اشاره به زیور آلات مثل گوشواره، آرایش کردن، کفش پاشنه بلند و... اشاره به ساختار و ساختمان بدنی زنانه از جمله عادت ماهانه، بارداری، ویار، زایمان طبیعی، یائسه شدن، سقط بچه و... پرداخته است که در کنار هم بودن این واژه‌ها در متن، نوشته وی را به‌سوی زنانه بودن سوق می‌دهد. در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

«حالا که مدتی از یائسه شدنش می‌گذشت،» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۰)

«بعد از حاملگی نگران بدنش شده بود. این جا و آن‌جا خوانده بود زایمان طبیعی باعث وارفتگی بدن می‌شود.» (همان:

«زن‌ها اول زده بودند و رقصیده بودند و بعد راه افتاده بودند توی آپارتمان کوچک عروس و داماد در کابینت‌ها را باز کرده بودند و به دقت مارک آبمیوه‌گیری و پلوپز و... را خوانده بودند.» (همان: ۹۲)

«از کفش پاشنه بلند بدش می‌آید، نه اینکه بدش بیاید، گاهی دوست دارد پایش کند، منتها عادت به پوشیدن کفش پاشنه بلند ندارد.» (همان: ۹۸)

«البته آن ته‌های دلش می‌داند آژانس می‌گیرد، چون دلش نمی‌خواهد گورانی‌ها دختر هفت قلم آرایش کرده‌اش را ببینند.» (همان: ۱۷۴)

۲-۱-۲ اسامی زنان:

زنان در نوشتار خود، از هم جنس خود یعنی زنان دیگر نام می‌برند و خصیلت‌های زنانگی، درد و رنج‌ها، دغدغه‌های آنان را برای خواننده، به‌نمایش می‌گذارند و باید گفت شخصیت اصلی در رمان‌هایشان زنان هستند. تعداد زنان در رمان به وفور دیده می‌شود. از جمله زنان مهم و اصلی داستان شخصیت‌هایی از جمله: ثریا، آنا، روح‌انگیز، بی بی و ننه هستند و شخصیت‌هایی که در حد تیپ می‌باشند شخصیت‌هایی هم‌چون خواهر کاووس، زن اسحاق، زن ابوالفضل، افسانه زن کاووس و خاله فرح، مشتی خانم، لایلا خانم، عمه رباب هستند که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود.

می‌نشیند روی مبل راحتی، آنا گوشه‌اش را پیدا نمی‌کند. (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۸)

می‌گوید آن را از خاله فرح شنیده (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۸)

ثریا و روح‌انگیز جلوی گلفروشی از ماشین پیاده نشدند. (همان: ۵۸)

اول ثریا تلفن می‌زد به مشتی خانم و اصغر، و سفارش‌ها را می‌کرد. (همان: ۷۲)

ملکه و فوزیه، که حالا شده بود فاطمه سادات، پاشنه اداره جنگلبانی را از جا در آوردند. (همان: ۱۳۵)

۲-۱-۳ اتباع

اتباع در لغت به معنای «در پی کسی رفتن» و «پیروی کردن» و در اصطلاح دستور لفظی است مهمل و بی‌معنی یا فاقد معنی روشن که به دنبال اسم یا صفت می‌آید، برای تأکید و گسترش معنی آن‌ها یا بیان نوعی مفهوم جنس و قسم. (انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۹۸).

اتباع بیشتر همراه با واو عطف می‌آید. باید گفت زنان در نوشتار، بیشتر از مردان از اتباع استفاده می‌کنند. سلیمانی از اتباع زیادی در رمان خود بهره گرفته است از جمله: کج و معجوج، تک و توک، جک و جانور، جمع و جور، ادا و اطوار، ملج ملوچ، فک و فامیل و... در زیر به نمونه‌هایی از اتباع در رمان آن مادران این دختران اشاره می‌شود:

یک قاشق غذاخوری پت و پهن از توی جاقاشقی بر می‌دارد (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۹)

اتفاقاً مردم وقتی اوضاع اقتصادی بده از این جور آت آشغال می‌خرن. (همان: ۳۲)

مهم نیست، طفل یتیم پشت سرش ندارد، قرض و قوله هم ندارد. (همان: ۹۰)

قیمت بلیت، که آن‌را با یک پانصد تومانی پاره پوره و یک دویست تومانی میچاله می‌پردازد. (همان: ۱۰۰)

اولین زن دستفروش که که با صلوات شمار، آینه آرایش، لیف و کلی خرت و پرت دیگر سر و کله‌اش پیدا می‌شود. (همان: ۱۰۱)

۲-۱-۴ رنگ‌واژه

جزئی‌نگری زنان در کاربرد نام رنگ‌ها مشخص می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۵). دایره واژه‌های توصیف رنگ در گروه زنان وسیع‌تر است. آنان از اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که در میان گروه مردان معمول نیست (شریفی مقدم و بردبار، ۱۳۸۹: ۱۳۴) تحقیق و پژوهش‌های زبان‌شناسان درباره کاربردهای زبانی زنان و مردان، نشان داده است که زنان در مقایسه با مردان که جدی و کلی‌نگر هستند، در کاربرد رنگ‌واژه‌ها دقت و جزئی‌نگری بیش‌تری دارند زیرا همراه با احساس بیشتر همراه است هستند و در مقایسه با مردان از اصطلاحات متنوع‌تری برای رنگ‌ها استفاده می‌کنند؛ اما درباره اینکه

زنان قدرت ادراک رنگ بیشتری دارند، شاهدهی وجود ندارد. (اوگریدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۳۸) تفاوت زبانی کاربران مذکر و مؤنث در کاربرد رنگ‌واژه‌ها به این دلیل می‌باشد که مردان به مسائل کلان مثل کار و سیاست و موضوعات اجتماعی علاقه‌مندند و مسائل جزئی و پیش پا افتاده مثل تشخیص رنگ را در مدار طیف‌های گسترده، به زنان واگذار کرده‌اند. (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۴۷) زبان‌شناسان معتقدند رنگ‌هایی که مردان به کار می‌برند بیشتر شامل چند رنگ‌واژه مانند سرخ، سفید، سبز و آبی است ولی در آثار زنان رنگ‌های زیادی به کار می‌رود و این حاکی از جزئی‌نگر بودن زنان می‌باشد. (نیکویخت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۵) «لیکاف» در مقاله‌ای چالش برانگیز و جالب ادعا می‌کند که زنان رنگ‌واژه‌هایی مانند ارغوانی روشن، نخودی، بنفش سرخ فام، بنفش روشن، آبی سبز زمردی، اناری، آبی سبز فام زمردی را به کار می‌برند، ولیکن این کلمات تقریباً در گفتار مردان وجود ندارد، و مردان بیشتر تمایل دارند در کلام خود از رنگ‌های محدود و ساده استفاده کنند. (وارداف، ۱۳۹۳: ۵۰۵) زنان برای هر رنگ طیف گوناگونی برای بیان احساسات و زیبایی‌ها در نظر می‌گیرند مانند عدسی، نخودی، سبز فسفری و... ولیکن مردان رنگ‌های اصلی مانند قهوه‌ای، قرمز و... را می‌بینند و به جزئیات توجه نمی‌کنند و به همین دلیل گستره‌ی واژگانی زنان بیش از مردان است. کاربرد تنوع رنگ‌ها در رمان آن مادران این دختران، زیاد است از جمله، زرد، قهوه‌ای، سرمه‌ای، آبی نفتی، صورتی پرنرنگ، بنفش کم‌رنگ، قرمز جگری و... که در ادامه به چند نمونه به‌طور مختصر اشاره می‌کنیم:

می‌نشیند روی مبل راحتی خردلی و نگاه می‌کند به کاووس که در آشپزخانه گم می‌شود. (همان: ۶۷)

چقدر میز عسلی، چقدر مجسمه هندی و چینی چقدر قالیچه چهار گوش. (همان: ۶۹)

آنا پالتوی پوست مانند سفیدی روی لباس نباتی‌اش پوشیده بود. (همان: ۷۳)

گل‌های سفید و گل بهی که می‌دانست پاییز تبدیل به دانه‌های سفت و محکم می‌شوند. (همان: ۹۴)

رنگ موی کاکائویی، که خودش بر سرش می‌گذاشت. (همان: ۱۷۴)

۵-۱-۲ تکرار واژه

نویسنده برای تأکید کلام خود، واژه یا واژه‌هایی را دو یا چند بار در جمله تکرار می‌کند. گرچه تکرار کلمه ملال‌آور است اما اگر هنرمندانه و آگاهانه در متن صورت بگیرد باعث تأثیر بیشتر کلام نویسنده بر مخاطب می‌شود، تکرار عواطف را تشدید می‌کند. همچنین زنان به‌طور متداوم احساس خود را بیان می‌کنند و برای نشان دادن آن از تکرار برخی قیدها یا واژگان استفاده می‌کنند که در زبان و کلام زنانه زیاد به کار می‌رود و تکرار می‌شود. «تکرار ظاهراً امری مربوط به زبان است و ما نیز در تقسیم‌بندی شاخه زبانی، آن را جای دادیم. پس چگونه است که آن را به روح و روان زنانه نیز مرتبط کردیم و آن را به نوعی به مسئله فکری، مربوط ساختیم؟ در پاسخ باید گفت که سال‌هاست زبان‌شناسان جهان، به رابطه ذهن و زبان می‌پردازند و در واقع، این دو با هم بیگانه و از هم جدا نیستند. مشخص است که زبان انسان بر مبنای ساختار ذهنی او به‌طور فردی و در جامعه شکل می‌گیرد... زنان نسبت به مردان بیشتر از تکرار در سخنانشان استفاده می‌کنند و آن را به مقاصد مختلفی، مانند سرزنش، برانگیختن ترحم جنس مخالف و معشوق خود و یا حتی تفاضل و تفاخر خود به کار می‌برند.» (لیکاف، ۲۰۱۲: ۲۱۸) «یسپرسن» در زمینه دایره واژگان معتقد است، گنجینه لغات مردان بیشتر از زنان می‌باشد، زیرا زنان تنها در حوزه مرکزی زبان گام بر می‌دارند، اما مردان اغلب اصطلاحاتی را تغییر یا جایگزین می‌کنند یا اصطلاحات جدیدی ساخته و استفاده می‌کنند. (نجفی عرب و بهمنی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۳۹) در رمان آن مادران این دختران، واژگان هم به‌طور متناوب و هم به شکل متوالی تکرار شده‌اند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

«چقدر دلار دوست داشت. تمام نه ماهی که در اشک و آه گذشت دلار خورد: سیب با دلار، ماست با دلار، گوجه با

دلار، خیار با دلار، پرتقال با دلار، کاهو با دلار.» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۲۵)

«چیه خانم فیلسوف، یه غده کوچولوئه، کوچولو، اندازه یه گردو کوچولو.» (همان: ۲۷)

«فاطمه. نه فاطمه خالی، فاطمه سادات» (همان: ۳۵)

«ولی حالا در دوره کارشناسی ارشد گه‌غلون از دهانش بیرون می‌آید، هر کلمه یک گه‌غلون، این گه‌غلون از خانواده سوسک‌ها هستند.» (همان: ۳۸)

«تق تق تق، گاهی یک ماه صدای تق تق از خانه اسحاق می‌آمد.» (همان: ۹۵)

«دختر عمو یه چکه آب بخور، یه چکه، فقط یه چکه.» (همان: ۱۰۵)

«چی می‌خواهم، درد می‌خواهم، مرگ می‌خواهم، چی می‌خواهم.» (همان: ۱۰۸)

۶-۱-۲ کلمات عامیانه

زنان در نوشتار خود از کلمات عامیانه به وفور استفاده می‌کنند تا خواننده را با خود همراه کند.

«چشم به چندرغاز حقوق معلمی اش دارد.» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۳۹)

«بی‌کس و کار نانجیب و پاچه ور مالیده هم بود.» (همان: ۴۰) در تعامل عامیانه، سخت بی‌آزم و خشن و بی‌ادب و بی‌محبا از نکوهش. (همان: ۵۳۲۷)

«انگولکش کرده بود.» (همان: ۵۲) در تداول، کاویدن با انگشتان. ور رفتن با چیزی با انگشت. (همان: ۳۶۰۲)

«آغوز که تمام شد، بچه مک زدن را یاد گرفت.» (همان: ۸۲) شیر ماده نوزائیده. (همان: ۱۶۳)

«ملکه هم دوست داشت کسی که از سر سفره‌اش بلند شده دوباره بنشیند سر آن، برای همین آن آلم‌شنگه را راه انداخت.» (همان: ۱۴۹) قیل و قال و شلوغ کردن یک نفر یا جمعی. (۳۲۶۶)

۷-۱-۲ واژه‌های مبهم و غیرصریح زبان

اسم مبهم آن است که در معنی آن نوعی ابهام دیده می‌شود مانند کس، کسی، هیچ‌کدام، هیچ‌یک، قدری، کمی و... می‌باشد. (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۲۵-۲۴۳) زنان بیش از مردان از صورت‌های مبهم و غیر صریح زبان استفاده می‌کنند (فتوحی، ۱۳۹۹: ۳۹۹). این موارد در متن شامل اسم و صفت‌هایی است که در آن نوعی ابهام وجود دارد.

«برای چه کسی؟ هیچ‌کس. تقریباً هیچ‌کس.» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۹)

«به رغم اصرارهای روح انگیز هیچ وقت پایش به خانه کاووس باز نشد.» (همان: ۵۱)

«چی؟ می‌گویند: هیچی.» (همان: ۱۱۵)

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

۲-۲ ساختار نحوی

در قلمرو تحلیل نحوی و معنایی نوشتار زنانه، ساختمان جمله‌ها از نظر نظم و دستورمندی واژگان، روابط واژه‌ها با هم، نوع نقش دستوری واژگان و... (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۸) بررسی می‌شود.

۱-۲-۲ جمله ناتمام (نشانه فرا زبانی)

از دیگر ویژگی‌های نوشتاری زنانه پایان نیافتن جمله‌های آنان است که گاه ناتمام جمله‌ی خود را رها می‌کنند؛ اما مردان جمله‌ی خود را تمام بیان می‌کنند. می‌توان تفاوت دو گروه زن و مرد را در این مورد جستجو کرد. مهم‌ترین نوع جمله‌های کاسته، جمله‌های بی‌فعل هستند، یعنی آن‌ها که فعلشان حذف می‌شود و این امر بیشتر در جمله‌هایی صورت می‌گیرد که بر دعا و احساسات و عواطف دلالت دارند. (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۵۶۳) « پژوهش‌ها نشان داده که زنان در گفتگو، بیش از مردان تمایل به قطع کلام و تغییر مسیر گفتگو دارند. آنها چندان علاقه‌مند به ادامه و تکمیل ادامه بحث و به سرانجام رساندن موضوع نیستند. به‌همین دلیل جمله‌های ناتمام با مکث و سکوت در سخن ایشان بیشتر است و مسکوت گذاشتن موضوع را از ویژگی‌های سخن زنانه می‌شمارند. در نوشتار زنانه مکث و سکوت در خلال سخن به صورت سه نقطه [...] نگارش می‌شود. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۸) دلیل استفاده از نشانه‌های فرا زبانی یا جمله ناتمام، در تفاوت هدف زن و مرد از سخن گفتن بیان کرده‌اند. مردان جملات را به صورت خبری و برای آگاهی بخشی و کسب اعتبار، از جایگاه قدرت به‌طور کامل بیان می‌کنند، اما هدف زنان از سخن گفتن بیش‌تر برای برقراری ارتباط با دیگران و حس همدلی با آنان است. (نجم عراقی، ۱۳۸۲: ۲۷۰) باید گفت زنان بیش‌تر از مردان از علائم غیر زبانی هنگام

صحبت کردن استفاده می‌کنند. این علائم غیر زبانی در گفتار به صورت حرکات دست و سر و لحن و آهنگ کلام و سکوت در نوشتار، استفاده از خط تیره یا سه نقطه است.

«ثری جان بیا اینجا مانتوت رو در بیار، اگر لباس می‌خواهی من دارم. درسته...» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۶۹)
«نکنند روح انگیز... نکنند آنا...» (همان: ۸۹)

ثریا می‌گوید: «نمی‌خوام راه جلو پای آنا بذارم روحی، وگرنه...» (همان: ۱۱۲)

ثریا می‌گوید: «آخه اینجوری که نمی‌شه، یعنی...» (همان: ۱۱۹)

چهارتا پیر و پاتال مونده‌ند گوران، مگه این‌که...» (همان: ۱۲۶)

هفته‌ای نبود که جوونی روی دست مردم تشییع نشه، اون جنگ...» (همان: ۱۹۷)

۲-۲-۲ سوگندواژه

یکی دیگر از مباحثی که در تفاوت بیان و نوشتار زنانه و مردانه باید اشاره کرد آن است که زنان بیشتر از مردان از سوگند خوردن استفاده می‌کنند. «گوم این نکته را بیان می‌کند که زنان بیش از مردان قسم می‌خورند. این تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که در گفتگوهای تک جنسیتی آمار به کارگیری سوگندواژه‌ها بسیار زیادتر بوده است. این تحقیقات نشان می‌دهد که این چنین ویژگی‌های گفتگویی شاید در نظام‌های فرهنگی مختلف وجود داشته باشد. (جان-نژاد، ۱۳۸۰: ۱۲۱) نویسنده برای اقناع و تأکید بیشتر مخاطب، از سوگندهای مکرر استفاده می‌کند.

«مامان نگو تو رو قرآن.» (همان: ۳۹)

«ثریا لبخند می‌زند و روح انگیز می‌گوید: «ها به خدا، چیه این تهران خراب شده،» (همان: ۶۷)

«خدا رو خوش نمی‌آد به سید مرتضی.» (همان: ۱۰۵)

«ما همه دو قطبی هستیم، و الله، به جد سید آقا.» (همان: ۱۹۰)

«تو رو خدا مامان، از اون روزای کوفتی حرف نزن.» (همان: ۲۳۰)

۲-۲-۳ کلمات امری

زنان در تعاملات خود بیشتر به جای استفاده از دستورهای مستقیم، بیشتر منظورشان را به طور غیر مستقیم و پیشنهادی مطرح می‌کنند. «دستورهای مردانه مستقیم بیان می‌شود و با تحکم شدید و بیشتر همراه است. امر تشدید و دستورهای زنان که بیشتر به صورت پیشنهادی یا غیر مستقیم مطرح می‌شود، امر تعدیلی نام‌گذاری شده است.» (بهمنی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۴) در ادامه به نمونه‌هایی از کلام آمرانه اشاره می‌کنیم:

زودتر دفاع کن تموم شه بره.» (همان: ۶۷)

تو چرا مانتوت رو در آوردی؟

پوش بریم. (همان: ۶۹)

اون ظرف کلمپه رو هم بیار... دستت درد نکنه شیما جان، خرما رو هم بیار. (همان: ۷۳)

ثریا گفت: بخور. و لقمه را گذاشت توی دهن روح انگیز. لقمه دیگر را گرفت طرف آنا، آنا بسته بیسکویت ساقه طلایی را گرفت طرف مادرش و گفت: من بیسکویت دارم. بگیر جلوی خاله روحی. (همان: ۱۲۲)

۲-۲-۴ توصیف جزئی‌نگری

توصیف جزئیات از عناصر مهم در نوشته‌های زنان است. زنان هنگام بیان مسائل مختلف مانند سخن گفتن از احساسات، توصیف، شرح رویدادها و... اطناب بهره می‌گیرند و با ذکر جزئیات، بر خوشایندی مسئله می‌افزایند. این جزئی‌نگری مربوط به کنجکاوی‌های خاص زنانه است و اطناب و پرگویی بر همان بیان جزئی‌نگر و فراغت و فرصت بیشتر است. ادبیات زنانه اغلب ادبیاتی است که با سخن‌های فراوان زنان آرایش می‌یابد. (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۷) «جزئی‌نگری و تصویر جهان واقع خود به خود نوعی عینیت‌گرایی و توصیف حس امور عینی را در پی دارد. مرد عموماً ذهن گراست

و زن عمل‌گرا. همین عمل‌گرایی زنانه در تعامل اجتماعی، ویژگی‌هایی بر زبان داستان‌های زنان بخشیده است که از آن با صفت جزئی‌نگری، حس‌گرایی و عینیت‌گرایی یاد می‌کنیم.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۱۵)

«احسان صورتش را سه تیغه کرده و کت و شلوار پوشیده، کاپشنش روی دست چپش است و جعبه شیرینی را با دست راست گرفته. کیفش روی دوشش است و ثریا از سنگین راه رفتنش و کج شدن یقه کتش می‌فهمد کیفش پر از کتاب و جزوه است.» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۷۷)

«می‌نشیند روی مبل‌های طرح فرش پذیرایی درنداشت ابوالفضل. ثریا این چند سال هر جا رفته همین نوع مبل را دیده، گوران مدهای خودش را دارد. گلخانه که رسم شد، همه صحنه آبتنی شیرین را با کاشی روی دیوار گلخانه‌هایشان کار کردند. سرامیک کردن اطراف حال که مد شد، همه هال‌ها شد اتاق معاینه بیمارستان و حالا هم مبل با طرح فرش کرمانی می‌خرند.» (همان: ۱۵۷)

«میوه‌ها را شسته بود و در ظرف یک‌بار مصرف دردار گذاشته بود، به تعداد هم پای سیب گرفته بود و در هر ظرف یک پای سیب گذاشته بود. مانتوی کت ماندی پوشیده بود که پایش به شیوه سنتی گلدوزی شده بود. روسری رنگی سرش کرده بود و کفش پاشنه سه‌سانتی پوشیده بود. موهایش را زیتونی کرده بود و کمی از آن‌ها را رها کرده بود روی پیشانی‌اش.» (همان: ۲۱۱)

۵-۲-۲-۲-۲ جملات مؤدبانه

تحقیقات نشان داده است زنان در نوشتار، به دلیل روحيات لطیف‌تر و مهربان‌تر، از واژگان مؤدبانه در مقایسه با مردان که از واژه‌های مردانه، قلدرانه، قدرتمندتر استفاده می‌کنند، بیشتر به کار می‌برند. محققان غربی معتقدند زنان همواره هنگام صحبت کردن، ادب و هنجار را رعایت می‌کنند و خارج شدن از هنجار، در کلامشان کمتر و به ندرت دیده می‌شود. استفاده از ضمیرهای جمع، تعارف کردن، پرهیز از توهین به دیگران و مسخره کردن آن‌ها و قطع نکردن کلام دیگران، از جمله نشانه‌های مؤید این مطلب است. (وارداف، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۷)

«ثریا می‌گوید ببخشید.» (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۱)

«ابوالفضل می‌گوید: «فرمایشتون متین، منتها اولادهاشو هنوز از خونه بیرون نکرده.» (همان: ۱۵۶)

«دایی افتخار بده با ثریا خانم یه چایی در خدمتتون باشیم.» (همان: ۱۵۶) «دی ۱۳۹۹»

«هر وقت امر بفرمایید دکترو.» (همان: ۲۰۱)

کاووس می‌ایستد جلوی او و می‌پرسد: «دختر عمو، شما هم تشریف می‌آرید کرمان، بگم بلیت براتون بگیرم.» (همان: ۱۱۹)

قدمتون روی چشم استاد، چرا که نه؟ (همان: ۲۰۱)

۶-۲-۲-۲-۲ جملات کوتاه و پرسشی

گرایش به کاربرد جملات کوتاه و ساده یکی دیگر از دستوری نوشتاری زنان می‌باشد که زنان در نوشتار خود به وفور از جملات کوتاه و پرسشی استفاده می‌کنند. «زنان از کاربرد جمله‌های پیچیده و تو در تو می‌پرهیزند زیرا باید گفت، کوتاهی جملات، زنان را در نگاه جزئی‌نگر آنها باید جستجو کرد. بیان ریزه‌کاری‌ها و جزئیات بسیار یک کل، نیاز به جملات کوتاه و پی‌در پی با استفاده از افعال بسیار دارد. کوتاهی جمله با جزئی‌نگری زنان نیز در ارتباط است. زنان عموماً جزئیات را می‌بینند. این نگاه ریزبین، محدوده جمله را کوچک می‌کند. طبیعتاً زمان تمرکز روی شیء کوتاه است و در نتیجه جمله، هم کوتاه و هم خبری می‌شود. این یکی از مشخصات بارز نحو روایی زنان است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۷)

«سقوط کرده‌ای ثریا؟ حیوان شده‌ای ثریا؟ تاجر شده‌ای ثریا؟» (۱۰۳)

«مثلاً سال گذشته کجاست؟ اصلاً همین دیروز کجاست؟ همین یک ساعت پیش کجاست؟» (همان: ۱۰۳)

«آنا می آید داخل آشپزخانه. ثریا خودش را مشغول نشان می دهد. بمیرم ثری جون، ناراحتت کردم، ببخش. و بغلش می کند. ثریا خودش را رها می کند و می گذارد آنا محکم بغلش کند. معذرت می خوام.» (همان: ۱۷۳)

«دکتر در همان دیدار اولشان زندگی ثریا را شخم زد. دخترت چند ساله است؟ ازدواج کرده؟ چرا طلاق گرفته؟ چی خونده؟ چی کار می کنه؟ خودت چی؟ بعد از اکبر ازدواج نکردی؟ چرا؟ مگه می شه پیش نیومده باشه؟ نکنه می خواستی به اکبر وفادار بمونی؟ حالا چی؟ نمی خوام تغییری تو زندگی ت بدی؟» (همان: ۱۹۴)

۷-۲-۲ معترضه و دعایی

بخش خاصی که حوزه های گفتار زنانه و مردانه را در فارسی جدا می کند دو قلمرو دشنام و نفرین است. دشنام و نفرین های مردان متفاوت از زنان می باشد. این دو حوزه از آن جهت تفاوت دارد که محل انعکاس قدرت، روحیات و نگرش ها و عواطف های خاص هر دو جنس است. زنان از آن رو نفرین می گویند که از قدرت کمتری برخوردارند و وجه کلامشان، تمنایی و دعایی است؛ اما مردان به جهت برخوردار از اقتدار صفات بد را به دیگری می گویند و دشنام می دهند. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۵) «جمله معترضه، جمله یا شبه جمله ای است که در میان جمله دیگر می آید.» (مشکور، ۱۳۶۸: ۲۵۱) سلیمانی به عنوان یک نویسنده زن، با بهره گیری از سبک نوشتاری زنانه در رمان آن مادران این دختران، از جملات معترضه و دعایی استفاده کرده است که در ادامه به چند نمونه اشاره می شود:

«پیر مردها برایش دعا می کنند: جانت بی بلا، دستت درست، سفرهات پر پیمان، داغ اولاد نبینی، محشور شوی با انبیا و اولیا» (همان: ۲۵)

می گفت: گور پدر مردم، من اگر می خواستم به حرف مردم اهمیت بدم، الان ابراهیم آباد معلم بودم. (همان: ۱۴۵)

گورانی که با گورانی این طور تا نمی کند، خدا ذلیلت کند دخترا! (همان: ۱۵۴)

کجایی آنای خیر ندیده، بینی مادرت هنوز هم خواهان دارد؟ (همان: ۱۵۸)

ثریا می گوید: «خدانکنه بابا، ان شاءالله سایه ت صد و بیست سال بالا سر ما باشه.» (همان: ۱۵۸)

اسحاق می گوید: «خدا خیرت بده، خدا عاقبت به خیرت کنه.» (همان: ۱۵۸)

۸-۲-۲ جملات و عبارات تعجبی - ندایی

به نظر برند، الگوهای گفتاری زنان با مردان متفاوت است و زنان بیش از مردان از الگوها مربوط به شگفتی ادب استفاده می کنند. (شیخی، ۱۳۹۲: ۱۱۶) جملات و عبارات تعجبی-ندایی را به دو گروه تقسیم کرده اند: گروه اول اصطلاحاتی است که با جنسیت مونث گویشوار ارتباط دارد و بار کلامی-اجتماعی زنانگی دارد و به هیچ وجه در رفتار زبانی مردان دیده نمی شود، مانند: وا، اوا خاک عالم، و... گروه دوم کلماتی مانند: آه، به، آخ، به به و... می باشند که نشان دهنده توجه مثبت شونده به گفتار گوینده است و می تواند هم به وسیله گویشوران زن و هم گویشوران مرد استفاده شود. (شکاری، ۱۳۹۳: ۵۶) در ادامه به چند نمونه عبارات تعجبی-ندایی اشاره می کنیم:

ثریا به شیوه مادرش زیر لب گفت: دلت به خاک. (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۲)

قربون دستت فرناز جان، اون ظرف کلمپه رو هم بیار (همان: ۷۳)

آخ خواهر، آخ خواهر، چی بگم. (همان: ۸۷)

آه و اوویلا، آه و اوویلا! (همان: ۱۲۸)

۹-۲-۲ کنایه های عامیانه

کنایه ترکیب یا جمله ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد. پس کنایه ذکر مطلبی و دریافت مطلبی دیگر است. این دریافت از طریق انتقال از لازم به ملزوم و یا برعکس صورت می گیرد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۹۳). استفاده از زبان عامیانه، علاوه بر کاربرد هویتی،

بار معنایی و عاطفی جمله را نیز بالا می‌برد و می‌توان گفت باعث نرمی و لطافت در گفتار ایجاد می‌شود که انعکاسی از عواطف مادرانه و زنانه ثریا یا دغدغه‌های زنانه وی می‌باشد که در ادامه واژه‌های عامیانه مطرح می‌گردد:

پاتو از گلیم خودت دراز تر نکن (سلیمانی، ۱۳۹۷: ۱۲)

بهرحال این اقا احسان فکر کنم گلویش پیش خودت گیر کرده (همان: ۳۹).

کشور را سپرد دست یک مشت تازه به‌دوران رسیده (همان: ۱۳۵).

این شتریه که در خونه همه می‌خوابه (همان: ۱۰۶).

تره هم برای انقلاب و ضد انقلاب خرد نمی‌کند (همان: ۱۴۵).

قند توی دل ثریا آب می‌شد (همان: ۱۸۴).

۳- نتیجه‌گیری

نویسندگان زن از ابتدای کار خود با گرایش به رمان، با استفاده از زبان و نوشتار مختص زنانه، مجال بیشتری برای بروز احساسات درونی، عواطف، تجربه‌های زنانه از زندگی روزمره و به بیان دغدغه‌ها، محدودیت‌ها و نقد جامعه مردسالار در اختیار داشتند. باید گفت نوشتن زنان به نوعی با رمان درآمیخته است. با توجه به نکات ذکر شده، زبان و نوشتار زنان به بررسی و واکاوی تفاوت‌های لایه زبانی (واژگانی و نحوی)، در زنان و مردان می‌پردازد. می‌توان گفت حتی زنان اگر در داستان خود به موضوع خشن و بی‌احساس هم بپردازند باز سبک نوشتاری خود را در داستان حفظ می‌کنند.

بلیس سلیمانی نویسنده‌ی پرکار معاصر، با توجه به اینکه قهرمان داستان‌هایش زنان هستند، در رمان‌های خود به ویژگی‌های نوشتاری زنانه به خوبی توجه و پرداخته است. وی هویت زنانه و دغدغه‌های آنان در زندگی و جامعه را به مدد این سبک نوشتاری به نمایش می‌گذارد.

نتیجه حاصل شده از این پژوهش از این قرار است که سلیمانی در رمان «آن مادران این دختران» که با رویکرد و سبک مدرنیسم و فمینیستی است به دنبال پرداختن به مسائل زنانه است و با استفاده از مؤلفه‌های نوشتاری زنانه از جمله: ۱- لایه واژگانی زبان مانند تکرار واژه، رنگ‌واژه‌ها، اتباع، واژگان مرتبط با زنان، کلمات عامیانه و... همچنین ۲- لایه نحوی شامل کنایات، جمله‌های ناتمام، توصیف جزئیات، جمله‌دعایی و معترضه و... به خوبی سبک زنانه خاص خود، خلیقات و روحیات زنانه زنان داستانش را نشان داده است. سلیمانی با استفاده از تکرار واژه‌ها و جملات معترضه و دعایی برگفتار ثریا شخصیت اصلی داستان، تأکید می‌کند و با آوردن رنگ‌واژه‌های مکرر، واژگان مرتبط با زنان و جزئی‌نگری با کاربرد فراوان قید و صفت توانسته است ریزینی که بخشی از شخصیت و سبک نوشتاری زنان است را نشان دهد. تعدد شخصیت‌های زنانه و شخصیت‌های محوری زن در رمان مذکور، حاکی از آن است که زنان هم‌گام با مردان در عرصه زندگی فعال هستند. بیش‌تر تکرارها و اتباع متعلق به ثریا بود که حاکی از عواطف درونی و با مشکلات و دغدغه‌های زندگی خود در حال جنگیدن است. گزینش کلمات عامیانه نشانگر صمیمیت و مردی بودن نویسنده است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ پنجم، تهران: مرکز ارباب، سپیده (۱۳۹۱) «بررسی و طبقه‌بندی دشواری‌های رایج فارسی در تداول عامه»، *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، شماره ۴، سال دوم، صص ۱۲۴-۱۰۷
- انوری، حسن (۱۳۸۱) *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن
- اوگریدی، ویلیام (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*، ترجمه علی درزی، تهران: سمت

بهمنی مطلق، یدالله و مروی، بهزاد (۱۳۹۳)، «رابطه زبان و جنسیت در رمان شب‌های تهران»، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۲، شماره ۷۶، صص ۲۶-۷

بیسلی، کریس (۱۳۸۵). **چیستی فمینیسم**. ترجمه محمدرضا زمردی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان
تایسن، لوئیس (۱۳۸۷) **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**. ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز و حکایت قلم نوین.

تلخابی، مهری و عقدایی، تورج (۱۳۹۳) شماره ۲۰. «لایه‌های قابل تأمل رمان ماه کامل می‌شود اثر فریبا وفی از منظر سبک شناسی انتقادی»، **فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی**.

جان نژاد، محسن. (۱۳۸۰) **زبان و جنسیت: پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای**، رساله دکترا، دانشگاه تهران

حسینی، مریم (۱۳۸۴) «روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه»، کتاب **ماه ادبیات و فلسفه**، شماره ۹۳، صص ۹۴-۱۰۱
خادمی کولایی، مهدی و سرمندی، مجید و زمانی کارمزدی، فاطمه (۱۳۹۴). «جامعه شناسی رمان خاله بازی از بلقیس سلیمانی بر مبنای نظریه‌ی «پی‌یر بوردیو»»، **ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال پنجم، شماره سوم، صص ۶۵-۴۵

دلبری، حسن. میرزایی، هدی. عرب پور محمد آبادی، علی (۱۳۹۶). «بررسی متغیر جنسیت با تکیه بر زبان زنانه در رمان کنیز و رمان کنیزو اثر منیرو روانی‌پور»، **فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۴**، شماره ۵۸

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) **لغتنامه دهخدا**. چاپ دوم از دوره جدید. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

اسکولز، رابرت (۱۳۷۹)، **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: آگاه

رودگر، نرجس (۱۳۸۸) **فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد**. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

سلیمانی، بلقیس. (۱۳۹۷) **آن مادران این دختران**، چاپ دوم، تهران: ققنوس

شریفی مقدم، آزاده و بردبار، آزاده (۱۳۸۹) «تمایز گونه‌گی در اشعار پروین اعتصامی پژوهشی زبان‌شناختی»، **دو فصلنامه پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)**، شماره ۴

شکاری، محمود (۱۳۹۳). **مقایسه زبان مردانه و زنانه در رمان‌های چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی **پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹**

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱) **بیان و معانی**. چاپ هفتم تهران: فردوس.

شیخی، تهمنه (۱۳۹۰). بررسی کاربرد دشواری‌ها در گفتار گویشوران زبان ترکمنی، **مجله زبان‌شناخت**، شماره ۴، صص ۱۴-۱۳

طاهری، قدرت ا... (۱۳۸۸) «مقاله زبان و نوشتار زنانه، واقعیت یا توهم»، **فصلنامه زبان و ادب پارسی**. شماره ۴۲

فارسیان، محمدرضا (۱۳۷۸). **جنسیت در واژگان**، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

فتوحی، محمود. (۱۳۹۰) **سبک شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، تهران: سخن

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸). **دستور مفصل امروز**، تهران: سخن

فریدمن، جین (۱۳۸۲). **فمینیسم**، ترجمه فیروزه مهاجر، چاپ سوم، تهران: آشیان

محمودی بختیاری، بهروز و مریم دهقانی (۱۳۹۲) «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی»، **نشریه زن و فرهنگ و هنر**، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۴۳-۵۵۶

مدرسی، یحیی (۱۳۸۶) **درآمدی بر جامعه شناسی زبان**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مشکور، محمد جواد (۱۳۶۸)، **دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی**، تهران: شرق

نجم عراقی، منیره. (۱۳۸۲) **زن و ادبیات**، سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان، تهران: چشمه

نجفی عرب، ملاح؛ بهمنی مطلق، یدالله (۱۳۹۳) «کاربرد واژگان در رمان شازده احتجاب از منظر زبان و جنسیت»، **فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی**، شماره ۲۰، صص ۱۴۲-۱۲۱

وارداف، رونالد (۱۳۹۳)، **درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان**، ترجمه رضا امینی، چاپ اول، تهران: بوی کاغذ

هام، مگی (۱۳۸۲)، مدخل نوشتارزنانه، فرهنگ نظریه های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی، فرخ قره داغی، توسعه

Simons, Herbert D. and Sandra Murphy (1986). Spoken Language Strategies and Reading Acquisition. Cook-Gumperz (ed). England: Cambridge
Lakoff, Robin. (2012). The DSL Theory and Literary Language. Washington: the University of Chicago Press.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir